

واکاوی درون‌متنی و برون‌متنی شعرهای فارسی روی سکه‌های شاه عباس دوم

چنور سیدی^۱

چکیده

واکاوی برون‌متنی و درون‌متنی در زبان فارسی به معنای تجزیه و تحلیل کلام گفتار و نوشتار است و مقصود از آن کشف معانی ظاهری و پنهان در جریان‌های گفتمانی است. پژوهش حاضر با بررسی شعرهای حک شده روی سکه‌های دوره شاه عباس دوم، در پی پاسخ‌گویی به این پرسش‌هاست: متن شعر فارسی بر روی سکه‌ها حاکی از چیست؟ آیا معانی درون‌متنی که از طریق ساختارهای واژه‌شناسی، دستوری و بلاغی بیان شده‌اند معنا و مفهوم کلام شاه عباس را مشخص می‌کنند یا خیر؟ آیا دنیای بیرون متن (فرا زبانی) است که اهداف مورد نظر وی را بر متن شعرهای حک شده تحمیل می‌کند؟ این پژوهش با تکیه بر منابع کتابخانه‌ای و به صورت توصیفی-تحلیلی انجام شده است. با واکاوی عوامل برون‌متنی و درون‌متنی گفتمان حاکم در شعرهای حک شده روی سکه‌های شاه عباس دوم، می‌توان اینگونه نتیجه گرفت که وی بر عوامل برون‌متنی نسبت به عوامل درون‌متنی تأکید بیشتری داشته و این مسئله حاکی از اندیشه و نیت شاه عباس برای انعکاس دادن فرهنگ و هویت ملی و تشبیت مذهب تشیع اثنی عشری است.

کلید واژگان: شاه عباس دوم، سکه، شعر فارسی، تحلیل گفتمان، برون‌متنی، درون‌متنی.

مقدمه

واکاوی برون‌متنی و درون‌متنی همان تحلیل گفتمانی است که در زبان فارسی، سخن کاوی، تجزیه و تحلیل کلام گفتار و نوشتار معنی شده و در مفهوم کشف معانی ظاهر و پنهان در جریان‌های گفتمانی است که در شکل‌های گوناگون زبانی و فرازبانی بیان می‌شود (بشیر، ۱۳۸۰: ۱۴). تحلیل گفتمان، بحث‌هایی درباره رشته‌های مختلف علمی مانند: جامعه‌شناسی، انسان‌شناسی، روان‌شناسی و یکی از زیر شاخه‌های مربوط به زبان‌شناسی است در مجموع شامل بحث معنا و مطالعات قاعده‌مند ساختار، کارکرد و فرایند تولید کلام و متن گفتار و نوشتار است که در این میان، متن به عنوان بیرونی‌ترین قاعده گفتمانی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است (سجودی، ۱۳۸۷: ۱۷۷). نکته حائز اهمیت در تحلیل گفتمان، شامل: دلالت‌های برون‌متنی از جمله «بافت موقعیتی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی» و دلالت‌های درون‌متنی «واژه‌شناسی یا اصطلاح‌شناسی، ساختارهای دستوری و ساختارهای بلاغی» است (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۸). آنچه که در پژوهش حاضر از طریق شعرهای حک شده روی سکه‌های شاه عباس دوم مورد نظر است؛ هر دو جنبه و رویکرد برون‌متنی و درون‌متنی در تحلیل گفتمان است، زیرا نادیده گرفتن یکی از این جریان‌های گفتمانی مخاطب را در رسیدن به کشف اهداف شاه عباس دوم یاری نمی‌رساند. شعر فارسی بر سکه‌های شاه عباس دوم ابزاری برای بیان فکر و اندیشه اوست که هوش و ذکاوت بالای این پادشاه صفوی را نشان می‌دهد. تاریخ، سیاست، فرهنگ، دین و حتی جغرافیا در این شعرها قابل مشاهده است. پیوند و ارتباط نظامندی بین زبان، فکر و اندیشه از روزگاران گذشته تا به امروز مورد توجه جوامع بشری بوده است. در این جستار از بررسی تحلیل گفتمان با استفاده از دو رویکرد برون‌متنی و درون‌متنی استفاده شده، زیرا که شاه عباس دوم زیرکانه مقصود خویش را با کمک این دو رویکرد بیان نموده است. حال پرسش آن است که متن شعر فارسی بر روی سکه‌ها حاکی از چیست؟ چرا متن اشعار حک شده بر روی سکه‌ها تولید می‌شوند و چگونه قابل تحلیل است؟ آیا معانی زبان‌شناختی از جمله واژه‌شناسی، ساختارهای دستوری و ساختارهای بلاغی، معنا و مفهوم کلام شاه عباس را مشخص می‌کنند یا دنیای بیرون متن (فرازبانی) است که اهداف مورد نظر وی را بر متن شعرهای حک شده تحمیل می‌کند؟ پژوهش حاضر، در پی تلاشی برای پاسخ‌گویی به پرسش‌های فوق است. اهمیت این موضوع، بر آن است که لازمه شناخت حکومت دوره شاه عباس دوم، شناخت تمام مسائل سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، موقعیتی و زبان‌شناسی آن دوره است، همچنین آیا تمام حوزه‌های مورد بررسی از یکدیگر جدا هستند و هیچگونه ارتباطی با یکدیگر ندارند یا یک هدف و مقصود

واحدی به آنها یک ارتباط ناگسستنی داده است؟ در این زمینه تاکنون پژوهش مستقلی صورت نگرفته است. این پژوهش به روش جمع‌آوری منابع کتابخانه‌ای انجام شده، نخست به بررسی سکه‌های شاه عباس و شعر فارسی در دربار وی و سپس به بررسی تحلیل گفتمان با استفاده از دو رویکرد برون‌متنی و درون‌متنی در تحلیل شعر فارسی حک شده بر سکه‌ها پرداخته خواهد شد.

۱. معرفی سکه‌های دوره شاه عباس دوم

سکه‌های دوره شاه عباس دوم بخشی از تاریخ هنر است و پژوهشگران توانسته‌اند با استفاده از مجموعه عناصر حک شده بر سکه‌ها به برخی از رویدادهای مبهم و حتی تاریخ و فرهنگ جامعه در آن زمان پی ببرند. هر دوره بازنمایی و روایتی از دین، خط و زبان، وضعیت سیاسی، اجتماعی و فرهنگی آن دوره است. سکه‌های دوره شاه عباس دوم را می‌توان به عنوان یکی از شاخص‌های اصلی برای شناسایی میراث فرهنگی آن عصر در نظر گرفت تا جایی که در مطالعات تاریخی آن دوره از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. هر یک از عوامل تشکیل‌دهنده سکه از جمله نوع فلز به کار رفته در آن، نقش و نگارها، علائم روی سکه، محل ضرب، تاریخ ضرب، ابزار ضرب و ضرب‌خانه‌ها از لحاظ علمی در شناخت تاریخ، فرهنگ، هنر، سیاست و وضعیت اجتماعی هر دوره تاریخی نقش ویژه‌ای دارد (طالبی و قائینی، ۱۳۷۳: ۹). از منظر تاریخ‌نگاری، سکه‌های قدیمی و باستانی ارزش نوشته‌های سنگی را دارد. سکه‌ها اسناد دست‌نخورده تاریخ یک جامعه هستند که از زمان کهن بر جای مانده‌اند؛ اگرچه سکه‌ها اشیاء کوچکی هستند و بر روی آنها جزء یک یا دو جمله حک نشده است، اما جبران این ناهمگونی را فراوانی آنها می‌کند (کسروی، ۱۳۵۳: ۱۲۱-۱۳۰). بر روی سکه‌های شاه عباس دوم عناوین و القاب شاهان و جملاتی که ارادت آنها را به اهل بیت می‌رساند به صورت شعر فارسی حک شده است؛ همچنین تاریخ ضرب و نام شهری که سکه‌ها در ضرب‌خانه‌های آن ضرب شدند نقش گردیده که این عمل، پیش از شاه عباس دوم صورت نگرفته است (سرفراز، ۱۳۹۵: ۲۴۴). در سکه‌شناسی دوره شاه عباس دوم نمی‌توان از مسائل مرتبط آن دوره، سیاست، فرهنگ، اجتماع بحث نکرد؛ چرا که کیفیت ضرب سکه رابطه تنگاتنگی با مسائل یاد شده دارد و نوشته‌های تحریر شده بر سکه‌های شاه عباس دوم در قالب شعر فارسی و نظم روایت شده است. نمونه‌های حاضر نشان می‌دهد که چگونه یک دوره و عصر طولانی در قالب یک بیت روایت شده است؛ با توجه به این اشعار می‌توان به تعادل و تناسب بین اندازه قلم و قطر سکه‌ها نیز پی‌برد که به شکلی کاملاً مطلوب بر روی آنها به تحریر درآمده است. در نگاه نخست

برخی از حروف جلب توجه می‌کنند که به صورت کشیده نوشته شده‌اند، مانند حرف ی «ثانی» و «صاحبقرانی» و واژه‌های دیگری که بر روی این خط کشیده قرار گرفته‌اند، پس می‌توان گفت این نوع ترکیب بندی واژه‌ها، شاخص‌ترین ویژگی سکه شاه عباس دوم بوده که بعدها مورد تقلید دیگر سلاطین قرار گرفته است.



تصویر شماره ۱: سکه نقره شاه عباس دوم (فرح‌بخش، ۱۳۵۴: ۳۳).






از دیگر ویژگی‌ها می‌توان به این مورد اشاره کرد که اگر چه متن حک شده روی هر سکه یکسان است، اما در میان دو حرف کشیده تغییراتی در ترکیب بندی ایجاد شده است، حرف کشیده سطر پایین بر روی این سکه، حرف «ب» واژه «کلب» و کشیدن حرف «ب» به جای کشیدن حرف «ی» صاحبقرانی برگزیده شده و «نی» صاحبقرانی در کنار «عباس» قرار گرفته است (حسینی و قاضی‌زاده، ۱۳۹۵: ۹).



تصویر شماره ۲: سکه نقره شاه عباس دوم (فرح‌بخش، ۱۳۵۴: ۳۴).

در جدول شماره ۱ تصویر چند نمونه از سکه‌های دوره شاه عباس دوم آورده شده است. ابیات حک شده بر روی اکثر سکه‌ها یکسان اما در سکه‌های بیست شاهی و ده شاهی متغیر و در قالب شعر فارسی روی تمام سکه‌ها به نظم درآمده است. بر روی این سکه‌ها به دلیل زیبا نشان دادن و همچنین به دلیل عدم فضای کافی در تحریر اشعار «ی» واژه صاحبقرانی، «ی» واژه ثانی و «ب» واژه کلب علی به صورت شکسته و کشیده نوشته و با این عمل فاصله بین سطور بر روی سکه‌های شاه عباس دوم به خوبی رعایت و از تداخل کلمات جلوگیری شده است.

جدول شماره ۱: چند نمونه از سکه‌های دوره شاه عباس دوم (همان: ۳۳-۳۴).

| تصویر سکه | محل ضرب | جنس و وزن | ابیات حک شده بر روی سکه‌ها |
|--|--|--|---|
|  | اصفهان | طلا ۲۰۶۸ گرم اشرفی یا ۱۰۰۰ دیناری | بگیتی سکه صاحبقرانی زد از توفیق حق عباس ثانی |
|  | اردبیل | طلا ۱۰۷۲ گرم نیم اشرفی | بگیتی سکه صاحبقرانی زد از توفیق حق عباس ثانی |
|  | اردو و کاشان | نقره ۳،۶۹ گرم بیست شاهی یا محمدی | بگیتی آنکه اکنون سکه صاحبقرانی زد ز توفیق خدا کلب علی عباس ثانی زد |
|  | اردو | نقره ۱۸،۴۸ گرم ده شاهی | بگیتی آنکه اکنون سکه صاحبقرانی زد ز توفیق خدا کلب علی عباس ثانی زد |
|  | مشهد دزفول ایروان قزوین کاشان و... | نقره / ۹،۲۴ گرم پنج شاهی | بگیتی سکه صاحبقرانی زد از توفیق حق عباس ثانی |

| تصویر سکه | محل ضرب | جنس و وزن | ابیات حک شده بر روی سکه‌ها |
|--|--|--|---|
|  | همدان رشت تبریز هرات اصفهان و... | نقره / ۷,۳۹ گرم چهار شاهی یا عباسی | بگیتی سکه صاحبقرانی زد از توفیق حق عباس ثانی |
|  | مشهد اصفهان گنجه شماخه و... | نقره / ۱,۸۴ گرم شاهی | بگیتی سکه صاحبقرانی زد از توفیق حق عباس ثانی |

۲. شعر فارسی

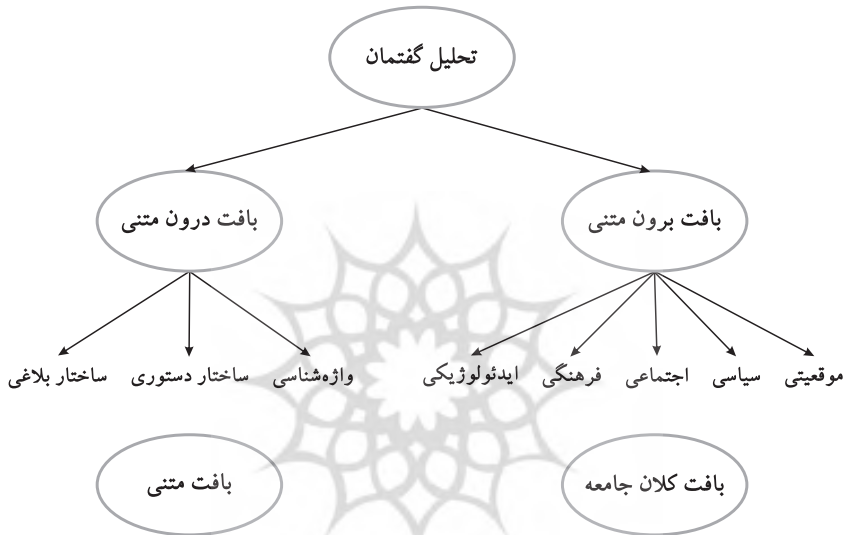
برای ارائه تعریف شعر، گروهی به جنبه‌های صوری شعر و گروهی به جوهر، ماهیت و اهداف آن توجه داشتند. از دیدگاه گروه اول شعر سخنی خیال‌انگیز است که از به هم پیوستن سخنان موزون و متساوی تشکیل شده و از دیدگاه گروه دوم از شعر با بیان هنری و ملموس فکر بشر به زبانی عاطفی و آهنگین یاد شده است (فرهمنده، ۱۳۸۹: ۱۰۲). از دیدگاه محمدرضا شفیعی کدکنی شعر کلامی جامع و کلی است که در برگیرنده شکل، جوهر و ماهیت شعر است، شعر گره‌خوردگی میان عاطفه و خیال است که در زبانی آهنگین تشکیل می‌شود (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۰: ۸۶). عناصر تشکیل‌دهنده شعر، عاطفه، تخیل، زبان، آهنگ، شکل و ساختار آن است (فرهمنده، ۱۳۸۹: ۱۰۲). می‌توان گفت ارزش و اهمیت شعر برای مردمان ایران زمین اهمیت دارد، زیرا افکار، تاریخ، فرهنگ و هویت ملی خود را با شعر یعنی با سروده‌های گات‌ها آغاز نموده‌اند و قدیمی‌ترین نشانه زنده از آغاز فعالیت فکر و اندیشه همین سروده‌های آسمانی است. از روزگار زرتشت که به حدود یازده قرن پیش از میلاد مسیح می‌رسد تا به امروز هنوز شعر، زبان آرزوها، آمال و اندیشه‌های نژاد ایرانی و ابزاری قاطع برای نگهداری فرهنگ و ادامه سنت‌های ملی همچنان پشتوانه بقای مردمان سرزمین ایران است (صفا: ۱۳۴۱: ۱۷). شعر فارسی در طی مسیری از دوران باستان تا عهد اسلامی به یکدیگر پیوند داشته و می‌توان گفت در این شعر یک نوع آزادی و وسعت خیال نهفته که در عین حال حد و مرز خاصی نیز در آن مشاهده می‌شود، قالب‌های مختلفی در شعر فارسی وجود دارد، از جمله: تک بیت، دوبیتی، غزل، قصیده، قطعه و مثنوی؛ همچنین سبک شعر فارسی در دوره‌های

تاریخی شامل: سبک خراسانی، سلجوقی، عراقی، هندی و بازگشت ادبی است (بهار، ۱۳۲۵: ۲-۱۲). دوره صفوی در زبان و ادبیات فارسی اهمیت دارد، به ویژه در زمان شاه عباس دوم که ادبیات مورد توجه شاه قرار گرفت. ادبیات و شعر در این دوره نخستین گام‌های خود را به کوچه و بازار نهاد، اغلب شاعران دوره شاه عباس دوم و خود شاه اشعار دینی می‌سرودند، به دلیل آنکه سیاست مذهبی وی، در امر مملکت‌داری بود.

۳. تحلیل گفتمان

واژه گفتمان مترادف با سخن، نظم کلام و متن است و در اصطلاح عبارت از چگونگی تولید و قاعده‌مند شدن یک متن کتبی و شفاهی از سوی تولیدکننده آن کلام و فرایندهای درون‌متنی و برون‌متنی در آن از سوی مخاطب است (صلح‌جو، ۱۳۸۸: ۸). گفتمان در طول زمان در رشته‌ها و حوزه‌های گوناگون در معانی متفاوت اما نزدیک به یکدیگر به کار رفته است، یکی از دلایل این امر آن است که فهم ما از گفتمان مبتنی بر تحقیقات مجموعه‌ای از رشته‌های علمی است که بسیار از یکدیگر متفاوت هستند. ون دایک، زبان‌شناس هلندی در میحث و مفهوم گفتمان می‌گوید: «کاش می‌توانستیم آنچه را درباره گفتمان می‌دانیم به شکل فشرده در تعریفی ساده بگنجانیم اما متأسفانه مفهوم گفتمان نیز مانند مفاهیمی چون زبان، ارتباط، تعامل، جامعه و فرهنگ مفهومی کاملاً مبهم است» (ون دایک، ۱۳۸۲: ۱۵). گفتمان همان زبان به منزله «کنشی اجتماعی» است. فرکلاف، زبان‌شناس و پژوهشگر ایتالیایی، گفتمان را چیزی بیشتر از کاربرد زبان می‌داند، وی بر این باور است که کاربرد زبان به خودی خود همیشه کنشی اجتماعی است. افزون بر آن، نتیجه چنین اعمالی هوشیارانه فقط به کارگیری علم زبان‌شناسی نیست بلکه تحت حاکمیت شرایط اجتماعی، باورها و ایدئولوژیک گسترده جامعه قرار دارند (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۸). گفتمان به عین بودن کلام و متن با کاربرد اجتماعی آن بیان شده، از این رو، تحلیل گفتمان عبارت است از تعبیه سازوکار مناسب و اعمال آن در کشف و تبیین گفته یا متن با کارکردهای فکری - اجتماعی؛ به عبارت دیگر تحلیل گفتمان باید متن را واکاوی کند و بگوید لایه پنهان و مستتر آن چیست (بارمحمدی، ۱۳۸۳: ۱۴۳). در زبان‌شناسی امروزی واکاوی گفتمان عبارت است از شناخت نوع ارتباط جمله‌ها به همدیگر و پی بردن به مواردی که در نتیجه این روابط حاصل می‌شود (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۸). در بررسی واکاوی گفتمان، ون دایک سه جنبه اصلی را بیان می‌کند: کاربرد زبان، برقراری ارتباط میان باورها و تعامل در موقعیت‌های اجتماعی (بافت فرهنگی و اجتماعی)، به عبارت دیگر کاربرد زبان در بافت‌های

مختلف (ایدئولوژیکی، فرهنگی و اجتماعی) برای تولید معنا. هدف اصلی مطالعات گفتمان فراهم آوردن توصیف یکپارچه از این سه بعد گفتمان است (ون دایک، ۱۳۸۲: ۱۷). تحلیل گفتمان کشف معانی ظاهری و پنهانی رویکردهای گفتمانی است که در شکل‌های گوناگون زبانی (درون‌متنی) و فرازبانی (برون‌متنی) بیان می‌شوند (بشیر، ۱۳۸۰: ۱۴). تحلیل گفتمان تلاشی برای کشف روش‌های کاربرد واژگان، ترکیب‌ها و جملات متن بر اساس عوامل برون‌متنی و درون‌متنی است.



نمودار شماره ۱: تحلیل گفتمان (نگارنده).

۴. تحلیل برون‌متنی شعر فارسی بر سکه‌های شاه عباس دوم

واکاوی گفتمان سعی می‌کند که ارتباطی بین کلام و متن با بافت آن برقرار کند، به بیان دیگر، معنای واکاوی گفتمان بیشتر در رویکرد برون‌متنی آن قابل بیان است. تحلیل گفتمان نیز در صدد شناخت و به کارگیری دلالت‌های برون‌متنی مانند: آشنایی با شخصیت کلام، اندیشه و باورها، وضعیت تاریخی، اجتماعی، سیاسی، جغرافیایی و فرهنگی است تا به هدف گوینده دست یابد. زمانی که خواننده یک متنی را می‌خواند یا می‌شنود ممکن است در برخی عبارت‌ها و قطعه‌ای از متن به معنای مقصود نرسد مگر آنکه از موضوع زمان و مکان گوینده کلام آگاهی داشته باشد. تحلیل گفتمان به دنبال توصیف واحدهای زبانی از دو جنبه است: یکی متن یعنی جنبه داخلی گفتمان، دیگری بافت بیرونی گفتمان یعنی وضعیت خارجی و فضای تولید متن. جریان برون‌متنی

در مقابل جریان درون‌متنی توجه و دقت خود را به عوامل و دلالت‌های برون‌زبانی تولیدکننده و دریافت‌کننده آن معطوف می‌کند و سعی بر آن دارد با بررسی فضای حاکم بر تولید متن و هدف گوینده و نویسنده آن، مخاطب به مفهوم و پیام متن دست یابد. در تحلیل گفتمان برون‌متنی به بافت موقعیتی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی و هر آنچه که از بیرون متن بر آن متن و کلام احاطه دارد، آن را تحت تأثیر قرار می‌دهد و سبب تولید آن می‌شود توجه می‌کند. در این رویکرد، هدف، خود متن و اشعار نیست بلکه اصل و اساس مجموعه عواملی است که مسبب تولید متن‌اند و این عوامل مورد بررسی و مطالعه قرار می‌گیرند (امانی و شادمان، ۱۳۹۰: ۱۳۰). شاه عباس دوم بر اشعار سکه‌های خود در فرایند معنایابی آنها از سوی مخاطب، به عوامل برون‌زبانی حاکم بر متن «بافت موقعیتی»، بافت سیاسی، بافت فرهنگی، بافت اجتماعی و بافت ایدئولوژیکی» یا درون‌متنی «واژه‌شناسی، ساختار دستوری و ساختار بلاغی» همان قوانین دستور زبان فارسی، توجه داشته است و بر روی سکه‌های خود، ابیات را بر اساس آن سروده و استفاده کرده است. اما گاهی تنها اتکا بر دلالت‌های درون‌متنی نمی‌تواند شاه عباس دوم را که گوینده آن ابیات است به انتقال مفهوم و هدف مورد نظر برساند، پس با استفاده از دلالت‌هایی برون‌متنی به کمک مخاطبان خود آمده و آنها را در پی بردن به اهداف خود یاری رسانده است. بر روی سکه‌ها با توجه به بافت ابیات می‌توان دریافت که بافت کلان جامعه (موقعیتی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و ایدئولوژیکی) به کار رفته است.

بگیتی سکهٔ صاحبقرانی

زد از توفیق حق عباس ثانی

بگیتی آنکه اکنون سکهٔ صاحبقرانی زد

ز توفیق خدا کلب علی عباس ثانی زد

۱.۴. بافت موقعیتی

بافت موقعیتی در تفسیر برون‌زبانی، ناظر بر محیطی است که متن یا بخشی از کلام در آن محیط تولید شود (بهرام‌پور، ۱۳۷۹: ۹۴). بافت موقعیتی را می‌توان به صورت اجمالی «جهان خارج و شرایط محیطی حاکم بر گوینده و شنونده» توصیف نمود (صفوی، ۱۳۸۷: ۱۶۶). به طور معمول تعریف و مفهوم کلام در بافتی مشخص که متن و کلام در آن چهارچوب قرار گرفته است و در اصطلاح آن را «بافت موقعیت» می‌نامند انجام می‌شود که با توجه به این بستر معنا و مفهوم کلام در حد ممکن دریافت می‌شود؛ اما این بافت می‌تواند گسترده‌تر از بستری باشد که بیان و عمل در آن روی داده

است (یارمحمدی، ۱۳۸۳: ۳). بافت موقعیتی یکی از فرایندهای بنیادی در تحلیل گفتمان است، به طوری که تولید هر متن و گفتاری متأثر از آن است، بی شک اشعار حک شده بر سکه‌های شاه عباس دوم متأثر از بافت موقعیتی آن دوره است. با توجه به ساختار این اشعار تولید شده چنین به نظر می‌رسد که شاه عباس دوم از آغاز حکومت خود سعی در هدایت جامعه خویش داشته است. شاه عباس این ابیات را هنگامی سروده که ایران نسبت به دوره پیش یعنی زمان شاه صفی که دچار رکود اقتصادی، تزلزل سیاسی و جنگ‌های داخلی و خارجی پی‌درپی واقع شده بود آرامش یافته و در دوره شاه عباس شرایط اجتماعی، سیاسی و اقتصادی تا حدودی در شرایط مطلوبی به سر می‌برده است. آرامش دوره شاه عباس نه تنها در دربار، بلکه در تمام کشور بسط یافته بود، پس از مرگ شاه صفی و آن حجم از خون‌ریزی و سفاکی که موجب ناآرامی‌های گسترده در سراسر ایران شده بود کشور نیاز به یک دوره برائت از هر گونه خشونت، جنگ خارجی و داخلی داشت که در دوره شاه عباس دوم به وجود آمد (اسدی کرم، ۱۳۹۰: ۸۹-۹۰). در این دوره سعی در تثبیت مذهب تشیع اثنی عشری نسبت به مذاهب دیگر در سراسر ایران بر روی سکه‌های وی قابل نمایان است، حکومت با دین، پیوند ناگسستنی دارد این موقعیت را می‌توان با توجه به عبارت زیر دریافت:

«بگیتی آنکه اکنون سکه صاحبقرانی زد

ز توفیق خدا کلب علی عباس ثانی زد»

همچنین جامعه ایرانی، جامعه فارسی زبان است و ادبیات فارسی به کشورهای همجوار آن رسوخ کرده و در دربار ایشان نیز از ارزش والایی برخوردار بوده است. در سه بافت موقعیتی «محیطی آرام، مذهب تشیع اثنی عشری و جامعه فارسی زبان» ابیات، بر سکه‌ها حک شده است؛ بنابراین، در این ابیات تناسب کامل بین محتوای متن، شرایط و موقعیت آن دوره وجود دارد. تأثیر بافت موقعیتی به ویژه وجود شاه عباس دوم در این مصرع کاملاً هویدا است. «زد از توفیق حق عباس ثانی» و «ز توفیق خدا کلب علی عباس ثانی زد». اوج این تأثیر در بافت متنی این عبارات و واژه‌های «سکه صاحبقرانی» و «عباس ثانی» است. شاه عباس با گفتمانی سازنده و موقعیت‌شناسی «ز توفیق خدا» پس از نام حق به شناساندن فضای حاکم برای ضرب سکه در یک شرایط اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مطلوب پرداخته است. با توجه به ساختار کلام شاه عباس دوم که متأثر از بافت موقعیتی زمانه خود بوده است، به نظر می‌رسد، وی از همان آغاز و در هر مرحله‌ای از ضرب سکه و حک کردن شعر فارسی بر روی آنها، به هدایت کردن مخاطبان خود در جذب شدن به مذهب تشیع اثنی عشری در میان مذاهب مختلف فکر می‌کرده و همچنین به جذب کردن مردم به فرهنگ

ایرانی یعنی ادبیات فارسی می‌اندیشیده است. با توجه به کنکاش‌های انجام شده، مشخص گردید شاه عباس دوم در نهایت سلیسی و فصاحت در قالب شعر فارسی تناسبی کامل میان محتوای کلام و بافت موقعیتی ایجاد نموده است. این توازن بیشترین تأثیر را در مخاطب شکل می‌دهد، از این رو اوضاع و احوال و شرایطی که آن ابیات، در آن شرایط سروده شده در فهم موضوع بسیار مؤثر است. بنابراین، عوامل بیرونی و شناخت حالات اجتماع و مردمان سرزمین ایران در آن دوره در جایگاه خود به عنوان سازنده‌های معنای بافت متنی ایفای نقش کرده‌اند. از آن جا که هر سخنی در شرایط خاص خود تولید می‌شود کلام شاه عباس برای سرزمین ایران و مخاطبان مبنی بر جذب آنها و اطاعت از یک حاکمیت مقتدر همچین عشق به اهل بیت علیه السلام بوده است، به طوری که آن ابیات با عقاید و افکار مردمان آن سرزمین سازگاری دارد و در فضایی که شاه عباس آن را مناسب دیده تولید شده است.

۲.۴. بافت سیاسی

نوشتارهای روی سکه به واسطه قدرت مقتدر و بزرگ سیاسی آن عصر یعنی شاه عباس دوم صورت می‌گرفت. این عمل نزد بالاترین مقامات سیاسی و حکومتی ایران تقلید شده است، تمام این مباحث مدخلی برای تشخیص و پی بردن به بافت سیاسی در این ابیات است، این سکه‌ها محوری هستند که گفتمان برون‌متنی سیاسی به وضوح در آنها قابل مشاهده است و در حوالی آنها می‌چرخد. به عبارت دیگر، عمل (ضرب سکه) به صورت مستقیم و غیر مستقیم (با نظارت معیرالممالک) به شاه مربوط بود، حتی ضرب سکه‌ها براساس میل ایشان و برای وی بوده است. تنها صدای غالبی که از بافت سیاسی متن این اشعار انعکاس پیدا کرده صدای شاه است که به عنوان تولیدکننده متون این اشعار حک شده بر روی سکه‌هاست. با نگاهی به سکه‌های ضرب شده و بر جای مانده از دوره شاه عباس دوم این امر به روشنی قابل مشاهده و درک است زیرا سکه ایزاری برای خودستایی و تفاخر در دست او برای به تصویر کشیدن قدرت خود در جامعه استفاده می‌شده است. پس با توجه به آنها مشاهده می‌شود معیرالممالک سکه‌ها را به دستور و فرمان رسمی و اداری شاه ضرب کرده و این سکه‌ها و شعر فارسی حک شده روی آنها صرفاً برای بازنمایی دولت تحت فرمانروایی شاه بوده است. بنابراین، با توجه به موارد و عبارت «بگیتی آنکه اکنون سکه صاحبقرانی زد»، شاه عباس دوم بیان می‌دارد نخستین شاه و شخصی که سکه‌ای به نام صاحبقرانی ضرب کرد، خود وی بوده است و در اینجا دیگر مقامات سیاسی، درباریان و مردم کاملاً در حاشیه قرار گرفته‌اند؛ یعنی مردمان عادی و درباریان نسبت به ضرب و تولید

آن متون هیچ تداخلی نداشتند. پس می‌توان، گفتمان برون‌متنی مسلط در حک این شعرها را بافتی تمام سیاسی دانست، چرا که نوشتن این شعرها بر اساس اندیشه و افکار شاه عباس دوم بوده که یک عامل و کارگزار سیاسی و حکومتی در ایران بوده است. در نگاه نخست به سکه‌ها، می‌توان دریافت که جنبه اجتماعی بارزی در آنها قابل مشاهده نیست، چرا که ساختار قاعده‌مند در بافت سیاسی مسلط در دوره شاه عباس دوم با حک این شعرها مختص به چهارچوبی به نام حکومت، دولت و به کانونی به نام شاه عباس دوم است (سرفراز، ۱۳۹۵: ۲۴۳-۲۴۴). حتی ابزاری به عنوان یک نوآوری در جهت برانگیختن رعب و وحشت ستیزگران و دیگر فرقه‌های تشیع و دیگر مذاهب مقابل شیعه اثنی عشری و تشویق مخاطبان و ساکنان ایران زمین برای برپا داشتن هویت و فرهنگ ملی، عشق و محبت به اهل بیت است. البته ذکر این مطلب لازم است که در بافت سیاسی این شعرها، در این دوره، سیاست حک این اشعار فقط برای ایجاد رعب و وحشت نبود، بلکه تلاش شاه عباس دوم برای به خدمتگیری کل جوامع دوره خود برای پیشبرد منافع ملت و به تصویر کشیدن فرهنگ ایرانی اسلامی است.

۳.۴. بافت اجتماعی

تغییر دیگری با به تخت نشستن شاه عباس دوم در انتقال فرهنگ و مذهب ایجاد شد. در این دوره، به دلیل رسیدن به وضعیتی متمایز از دوره پیش که دیگر شاهی خودکامه، مستبد، سفاک و خونخواری مثل شاه صفی نیست؛ بلکه مردم با رضایت بر وی مهر تأیید می‌زنند. از طرفی دیگر، شاه عباس دوم، شاه جدید، سعی می‌کند با اهداف و ایده‌های مورد نظر، تأییدیه ملت ایران را جلب و در نهایت بر آنها حکومت کند، با آوردن اصطلاحاتی مانند «کلب علی» و «الله» تغییراتی اساسی و متمایز از دوره پیش را بر روی سکه‌های خود ایجاد کرد. اگر در این عبارت دقت شود «ز توفیق خدا کلب علی عباس ثانی زد» با حک واژه‌هایی مانند (نام خدا و امام علی)، شخص شاهی که در بافت سیاسی در کانون و مرکز قرار داشت با ارادت به امام علی (ع) و یاری طلبیدن از خدا به حاشیه رانده می‌شود؛ یعنی بار دیگر به گفتمان اجتماعی برمی‌گردد. اما این بار فردی که در کانون قرار ندارد شخصی است که قدرت‌ش را از خدا و ارادت به اهل بیت دارد، به حاشیه رانده می‌شود.

در این دوره، حک شعر بیشتر برای اهداف تبلیغات نظام سیاسی و دینی استفاده شده است، اگرچه نظام تولید متن سکه به دست شاه عباس دوم و به دستور وی است، اما به تبع شرایط اقتصادی و اجتماعی موجود در دوره وی، قاعده «توزیع سکه در بین مردم» هدف بوده است؛ چون مردم مصرف کننده اصلی این سکه‌ها بودند. شاه عباس دوم با حک شعر فارسی بر سکه برای اهداف تبلیغات

سیاسی و دینی خود، سکه را واسطهٔ میان دولت و ملت، در دست ملت و در معرض دید مردم قرار داد. سکه در این دوره، به عنوان یک اثر تاریخی مؤثر بر جوامع، حکومت را با امر اجتماعی پیوند داد و سکه‌های در دست شاه بهترین و کارسازترین شیوه برای صورت بخشیدن به هویت و فرهنگ ملی و اعتبار اجتماعی دورهٔ حکومت وی است. بهبود وضع اقتصادی، داد و ستدهای داخلی و خارجی، رشد روستائینی و شهرنشینی به تبع آن رشد جمعیت و سفر به کشورهای همجوار و اروپایی، عواملی هستند که به عمومیت یافتن سکه و قرار گرفتن سکه در دست کل جامعه کمک می‌کرد. در نهایت باعث شکل‌گیری و صورت‌بندی بافت اجتماعی با توجه به قشر مصرف‌کننده بود. هدف از پخش سکه‌هایی که اشعار شاه عباس دوم بر روی آنها حک شده، در میان عوام مردم فقط برای جهت‌دهی اندیشه و افکار و یکسان‌سازی عقاید و اذهان جوامع دورهٔ وی و مخاطبانش و واسطه‌ایی میان مردم و حکومت بوده است. در آن دوره، مصرف‌گرایی در جامعه مشاهده می‌شود، بسیاری از کالاهای تجاری وارد و صادر می‌شد و سکه به عنوان یک کالای مصرفی بین این روابط تجاری قرار گرفته بود. سکه نه تنها در دست یک قشر خاص و ثروتمند جامعه نبود بلکه در دست لایه‌های مختلف و طبقات اجتماعی قرار داشت و تمام اقشار جامعه در این عمل گفتمانی «بافت اجتماعی» دخیل شدند.

۴.۴. بافت فرهنگی

در دورهٔ شاه عباس دوم، سکه فضایی را برای مصرف‌کننده ایجاد کرد تا بتواند امری فرهنگی را انتقال و انتشار دهد نه فقط برای شاه عباس که صاحب قدرت بود، بلکه برای تودهٔ مردم که با این ساختار در ارتباط هستند. عطف توجه نگارندهٔ شعر فارسی بر سکه به ارتباط برقرار کردن با مردم و به تبع آن انتشار فرهنگ ایرانی اسلامی با کمک سکه‌ها توجه داشت. غالب مردم ایران حق استفاده از سکه را داشتند و به نحوی با سکه در ارتباط بودند، شاه عباس نوشتن شعر فارسی بر سکه‌ها را لازم می‌دانست. در وهلهٔ نخست باید توجه داشت برای تمام ملت‌ها از جمله ایرانیان هر چه به جلو حرکت می‌کنند، جمعیت، رشد قابل توجهی پیدا می‌کند، آنچه که باید در این رشد جمعیتی در نظر گرفت آیندگان و جمعیت جوانان آن جامعه است. همچنین جمعیتی که در فضای اجتماعی پس از شاه عباس پرورش یافت و هیچگونه تصویری از حکومت وی نداشت و دیگر ملت‌ها چه آنهایی که با ایران در ارتباط هستند، از نظر ارتباط سیاسی و اقتصادی، چه آن ملت‌هایی که هیچ شناختی دربارهٔ ایرانیان ندارند، این جمعیت‌ها بیشتر از هر چیزی نیاز به فرهنگ و مهم‌تر از همه شناخت هویت ملی ایرانی دارند. تحول دیگر در این دوره، رشد روستایی‌نشین و شهرنشینی به دلیل اقدامات شاه عباس بود، و با

توجه به اینکه بخشی از مناطق روستایی به شهر کوچ می‌کردند، در این امر نیاز به فرهنگ و توجه به امر فرهنگ سازی نمود پیدا کرد. عامل دیگر افزایش تجارت، واردات و صادرات با کشورهای دیگر و افزایش قشر تحصیل کرده بود که با اندیشه، فکر و تعمیق فرهنگ این دوره هم‌خوانی نداشت (اسدی کرم، ۱۳۹۱: ۸۹-۹۱؛ زارعی، ۱۳۹۶: ۳۱-۳۵). بنابراین، این طبقات نیز نیاز به بستری برای شناخت هویت ملی و ایرانی داشتند. ساختار سکه با تمام مختصاتش در دوره شاه عباس دوم، بستر مناسبی برای شناساندن هویت ملی و فرهنگ ایرانی اسلامی را فراهم آورد. سکه نه تنها در دست طبقه‌ای خاص نبود بلکه در دست اغلب جامعه و عموم مردم قرار گرفت و امری فرهنگی عامل ارتباط سکه با جامعه شده بود. شعر فارسی روی سکه‌ها از بُعدهای عرفی و شرعی در این دوره دور نشد و در مورد دین، مذهب و فرهنگ ایرانی اسلامی سخن می‌گوید. آنچه در طی سیاست شاه عباس دوم در بافت فرهنگی حائز اهمیت است فرایند هویت سازی شعر فارسی در این بافت است که جایگزینی برای شناساندن هویت ملی و ایرانی قرار گرفت، گویی هویت در قالب شعر فارسی قابل تعیین است. شاه عباس با این طرح و نوآوری، اقدام به بازسازی فرهنگ و هویت ملی کرد. سکه در این دوره قابلیت ویژه‌ای در انتقال فرهنگ برای عموم مردم داشت.

۵.۴. بافت ایدئولوژیکی

یکی دیگر از بافت‌های کلان جامعه ایدئولوژی است و به شیوه دیدگاه و بینش جامعه نسبت به مسائل زندگی مربوط است، در زبان‌شناسی نیز به مجموعه‌ای از برداشت‌ها، عقاید و باورها در یک ملت و جامعه اطلاق می‌شود (یارمحمدی، ۱۳۸۳: ۱۸۱). در تجزیه و تحلیل متون، آنچه متن‌ها را می‌سازد جهان‌بینی‌های حاکم بر آن است و هیچ متنی وجود ندارد که یک خبر محض به مردم بدهد، بلکه همگی جهت‌دار و دارای ایدئولوژی هستند (آفاگل‌زاده، ۱۳۸۵: ۱۸۲-۱۸۳). شعر فارسی روی سکه‌های دوره شاه عباس دوم انعکاسی از افکار، باور و اعتقادات وی و نهادهای طبقات مختلف اجتماعی آن دوره است که به صورت زیرساختی در ذهن مخاطبان یا خوانندگان رسوخ پیدا کرده است. به نظر می‌رسد در این دوره، بقیه بافت‌های کلان جامعه (سیاسی، اجتماعی و فرهنگی) را یک ایده کلی و حاکمیت آن (دین و هویت ملی) تحت‌الشعاع قرار می‌دهد. همان پدیده (گسترش و تثبیت مذهب تشیع اثنی عشری و هویت ملی) به عنوان یک پدیده ایده‌آل نهایی برای جامعه این دوره بیشتر جلوه‌گری می‌کند. مخاطب با دیدن سکه‌های آن زمان (دوره شاه عباس دوم) پی می‌برد که با توجه به عبارت «ز توفیق خدا کلب علی عباس ثانی زد» شاه عباس از یک جهان‌بینی خاصی یعنی

ایرانی، اسلامی، مذهب تشیع آن و فرقه دوازده امامی پیروی می‌کند و در دیدگاه فکری و عقیدتی خود پای‌بند به اصول آن جهان‌بینی است. وی در نگرش به مسائل و پاسخ به آنها به طور طبیعی از جهان‌بینی خود پیروی می‌کند. بر اساس آن، شعرهای فارسی مطابق با اعتقادات و آراء خود را بر روی سکه‌ها ضرب نموده است. بر پایه همین عامل، «شاه عباس دوم» در تلاش است با استفاده از این اشعار ارزش‌های دینی و ملی خود را به صورتی ارزشمند با اقدامی نو و متمایز به ملت‌های ستیزه‌جو و فرقه‌های مختلف ادیان دیگر عرضه نماید. وی درک کرده بود که ادبیات فارسی در قالب شعر پایه تفکر و آیین تاریخی آن دوره است و از شعر به عنوان یک عامل پیام رسان بهره برد؛ بنابراین، شاه عباس می‌تواند یک عامل برون‌متنی «ایدئولوژیک» هم به عنوان هدایت‌کننده و هم هدایت‌شونده را به کار گیرد. مهم‌ترین باور و اندیشه وی گرایش به دین اسلام، مذهب تشیع و فرقه دوازده امامی است. شاه عباس به عنوان یک شخص معتقد به شیعه دوازده امامی در نوشتن شعر فارسی بر روی سکه‌ها یک رویکرد تأویلی را در پیش و از قوانین زبانی در تأویل و تفسیر عقاید خود بهره گرفت. این مسئله از مهم‌ترین ویژگی‌های زبان‌شناختی به عنوان ابزار و روشی برای بروز عقاید و باورهای وی است. شاه عباس دوم ارادت و محبت خود را نسبت به امام علی و اهل بیت با گفتن «کلب علی» بیان می‌کند. وی همچنین با توجه به این عبارات «ز توفیق خدا کلب علی عباس ثانی زد» و «ز توفیق حق عباس ثانی زد» بر این باور و عقیده است که هر مسلمانی به خصوص در یک جامعه اسلامی مانند ایران پیش از هرکاری از خدا طلب یاری و با نام خدا کارش را شروع کند. از طرفی ملت ایران فرهنگ و هویت خود را که زبان و ادبیات فارسی است به دست فراموشی نسپارد؛ بنابراین، در بینش شاه عباس با عامل دین تشیع و ارزش هویت ملی از عوامل مؤثر در تولید متن سکه‌ها شده است. مجموعه‌ای از اندیشه‌های مختلف یک گروه و طبقه اجتماعی، فرایند تولید معانی، نشانه‌ها و ارزش‌ها در زندگی اجتماعی ایده‌هایی هستند که به قدرت سیاسی مشروعیت می‌بخشند (معینی علمداری، ۱۳۸۳: ۱۰۲).

انعکاس هویت ایرانی یکی دیگر از زیر بخش‌های بافت ایدئولوژیک است، هویت مجموعه خصوصیات و مشخصات اساسی اجتماعی، فرهنگی، تاریخی، زیستی و... همسان است که به رسایی و روایی بر ماهیت یا ذات گروه، آنها را در ظرف زمان و مکان معین به طور مشخص، پذیرفتنی و آگاهانه از دیگر گروه‌ها و افراد متعلق به آنها متمایز می‌کند (الطایبی، ۱۳۸۲: ۱۳۹). ظهور هویت ملی ایرانیان در زمان شاه عباس دوم نوعی گفتمان ایدئولوژیک بوده است که بر اساس تمایزگذاری بین تشیع و تسنن و در تقابل با خلافت عثمانی به وجود آمد، از آنجا که همه چیز در گفتمان معنا می‌شود، هویت ملی ایرانیان موضوعی گفتمانی است که گفتمان تشیع آن دوره به افراد و پدیده‌های اجتماعی اعطا کرده

است. در هویت ملی ایرانیان همواره پیوندی مستقیم با دانش دینی وجود داشته است، هویت ایرانی در تقابل با هویت غیر ایرانی و هویت ملی که در حوزه فرهنگ، اجتماع، اقتصاد، و سیاست نقش تعیین کننده‌ای دارد شکل گرفته و همچنین به معنای احساس تعلق و وفاداری به عناصر مشترک در اجتماع ملی ایران بوده است. دولت شاه عباس دوم و دیگر پادشاهان یک پدیده نوظهور در ایران پس از اسلام بود که اندیشه حکومت را بر اساس دیانت و ملیت تعریف می‌کرد. این نوع از اسلام حکومت اندیشه‌ای بود که امکان اجرای فرامین اسلامی را در موقعیتی جغرافیایی بر اساس اصل ملیت فراهم ساخت و امکان تشکیل جامعه دینی بدون دستگاه خلافت را پذیرفته بود. می‌توان گفت هویت ملی به عنوان دال ارشد گفتمان تشیع تلاش داشت تا از ملیت در تثبیت دیدگاه توأمان بودن دیانت و سیاست بهره‌برداری کند. هویت در ایران با مذهب و ملیت شکل گرفت (مرتضوی و دیگران، ۱۳۹۴: ۱۶۳-۱۷۴). در شعر شاه عباس هم هویت ملی «شعر فارسی» و هم دینی «آوردن کلمات دینی مانند کلب علی» قابل مشاهده است، شاه عباس دوم با استفاده از شعر، این دو جریان را تبلیغ می‌کرد. او درک کرده بود بین ادبیات، هویت و دین یک رابطه ناگسستنی وجود دارد و به مزایای استفاده از قالب شعر برای تبلیغ هویت ملی و دین تشیع کاملاً آگاه بود و می‌دانست تبلیغ با شعر تأثیر بیشتری دارد. همچنین جوامع به هر آنچه که برای آنها لذت بخش باشد عمیق‌تر فکر می‌کنند و برای آنان ماندگارتر است، سرعت انتقال بیشتری دارد و بر افکار و اندیشه مردمان و مخاطبان تأثیر می‌گذارد. شاه عباس دوم با استفاده از شعر دو هدف داشت یک تبلیغ؛ دو صرفه‌جویی در وقت که برای رسیدن به هدف نهایی تلاش می‌کرد. هویت ملی و دینی با زبان و ادبیات فارسی یک رابطه متقابل دارند، آنچه بیش از همه فرهنگ و هویت ملی و دینی دوره شاه عباس دوم را در عرصه جهانی در کنار فرهنگ، تاریخ و دیگر عناصر سازنده تار و پود جوامع دوره شاه عباس زنده و پویا نگه می‌دارد، زبان و ادبیات فارسی در قالب اشعار است که از دوران گذشته تا به حال عناصر لذت‌بخش و تأثیرگذار آن در رگ و پی مردم ریشه دوانیده است.

۵. تحلیل درون‌متنی شعر فارسی روی سکه‌های شاه عباس دوم

جریان درون‌متنی به زبان‌شناسی ساختارگرا گرایش و شباهت دارد و همواره متن و اجزاء درونی آن را بررسی و کنکاش می‌کند تا مفهوم کلام از درون آن کشف شود. متن و توجه به عناصر درونی آن در تحلیل گفتمان جایگاه ویژه‌ای دارد (امانی و شادمان، ۱۳۹۰: ۱۲۱). اجزاء درون‌متنی واکاوی گفتمان حاوی واژه‌شناسی، ساختار دستوری و ساختار بلاغی است. شاه عباس با توجه به آگاهی از فنون شاعری در سرودن شعرهای خود دقت بسیاری به کار برده است.

۵. ۱. واژه‌شناسی

واژه‌شناسی یکی از مهم‌ترین دلالت‌های بافت متنی است. شاه عباس دوم در انتخاب واژه برای ابراز آراء، عقاید و پی بردن مخاطب به نیت وی و کشف هدف و اندیشه‌هایش از جانب او توجه بسیاری به جنبه زبان‌شناختی به ویژه واژه‌شناسی در ابیات حک شده روی سکه‌ها داشته است. وی مانند دیگر شاعران در قالب یک حکمران مقتدر در انتخاب واژه‌ها بسیار دقت می‌کند و به واژه‌شناسی اهمیت داده است، برای نمونه در واژه «سکه صاحبقرانی» در این ابیات:

«بگیتی سکه صاحبقرانی

زد ز توفیق حق عباس ثانی

بگیتی آنکه اکنون سکه صاحبقرانی زد

ز توفیق خدا کلب علی عباس»

می‌توان گفت شاه عباس با آوردن این واژه چند هدف داشته است، نخست آنکه صاحبقران یک واژه نجومی است و در لغت نیز به معنی پادشاه بزرگی است که دولتش دوام و ثبات دارد (عفی، ۱۳۷۲: ۱۴۶۲)؛ بنابراین شاه به علم نجوم نیز آگاه بوده است و می‌خواهد به مخاطب بیان کند، این پادشاهی از اول با توجه به علم نجوم و ستاره‌شناسی در تقدیر وی بوده است. دوم آنکه این واژه مختص به اشخاصی است که نسبت به دیگران توفیقی حاصل نموده و ممتاز است حال با آوردن این واژه همچنین به صورت غیرمستقیم بیان می‌دارد که از نظر قدرت نسبت به شاه قبلی شاه صفی با توجه به اقداماتش ممتازتر است.

پورنامداریان بیان می‌کند شخصیت فردی به ویژه حالات روحی وی، مخاطبان شعر و میراث ادبی، همچنین گذشته تاریخی با محیط نگارنده، اوضاع سیاسی و اجتماعی زمانه نقش ویژه‌ای در انتخاب الفاظ خاص دارند (پورنامداریان، ۱۳۸۰: ۳۲). در این ابیات به دلیل آنکه هدف کشف اندیشه و بینش وی از سوی مخاطب و شعرش مختص به مردم است ابیات ساده و از عناصر و اصطلاحات عامیانه استفاده کرده است. مخاطب و خواننده با توجه به ابیات روی سکه‌ها، کلمه‌ای که قابل درک نباشد و دشوار باشد مشاهده نمی‌کند و کاملاً اشعار عامه فهم است. شاه عباس سعی می‌کند متناسب با اوضاع جامعه، زبان شعر خود را با باورهای عامیانه از جمله اعتقادات آنها به نجوم، ستاره‌شناسی و گرایش به مذهب قابل فهم نماید. «سکه صاحبقرانی» و «کلب علی» حس ملی‌گرایی و عشق به اهل بیت در شاه عباس دوم را به مخاطب نشان می‌دهد. در اصطلاح «کلب علی» توجه به امامان قابل مشاهده است و شاه در جایگاه یک حکمران و شاعر مداح اهل بیت خواهان معرفی حضور یک

انسان والا به عنوان پیشواست و تا حد امکان در تلاش است این امتیاز و سروری را برای مخاطبان و عوام مردم مشخص نماید. در جمله «بگیتی آنکه اکنون سکهٔ صاحبقرانی زد» شاه عباس درک کرده است که باید شعرش همراه با جریان‌ات سیاسی باشد.

۲.۵. ساختار دستوری

یکی از مسائلی که مخاطب باید هنگام بررسی متون برای کشف عقاید و اندیشهٔ گوینده و نویسنده آنها، در نظر داشته باشد، توجه به نظام و ساختارهای دستوری زبان متن است. این مسئله معطوف به بررسی واژه‌ها و قرار گرفتن آنها در داخل جمله است. زبان امری ثابت و پایدارپذیر نیست بلکه در طول زمان دچار تحول و دگرگونی می‌شود و لغاتی تازه وارد زبان شده و واژه‌هایی به دست فراموشی سپرده می‌شود. همچنین تلفظ‌ها تحت تأثیر عوامل گوناگون دگرگون می‌شوند و ساختمان جمله پا به پای این تغییرات متحول می‌شود. از آنجا که هر زبانی در هر دوره‌ای ویژگی‌هایی دارد که با ویژگی‌های دوره‌های دیگر متفاوت است، بنابراین، باید بیان داشت که زیر بنای تمام آنها دستور زبان است و مجموعهٔ این دستورها را دستور تاریخی می‌نامند (انوری و گیوی، ۱۳۸۶: ۳۳۲). این ابیات نیز از بحث دستور تاریخی جدا نیست، از نظر قواعد دستورمند در این ابیات ابهامی وجود ندارد، اما با توجه به آن دوره دو واژه از نظر کاربرد معنا در دستور زبان فارسی کهنه شدند، یکی کلمهٔ «سکه زد» و دیگری حرف «ب» در کلمهٔ بگیتی ست. آیندگان و مخاطبان امروزی اگر با قواعد دستور زبان آشنایی نداشته باشند، در این واژه‌ها دچار ابهام می‌شوند هر چند با توجه به دورهٔ خود شاه عباس این واژه‌ها، واژه‌های کاربردی آن دوره بوده‌اند و در طی روند تاریخی معنای آنها تغییر پیدا کرده است. امروزه به جای «سکه زد» سکه ضرب کردن کاربرد دستوری دارد و «ب» به معنی حرف «در» است که یک کلمهٔ متمم‌ساز است. می‌توان گفت واژهٔ «ثانی» از نظر دستوری برای شاه عباس دوم واژهٔ عطف است و می‌خواهد به مخاطب بگوید اهل شعر و شاعری است و ثانی تخلص می‌کند، دوم آنکه یک واژهٔ تمایزی است، تمایز از دیگر شاه عباس‌های پیش و پس از خود.

۳.۵. ساختار بلاغی

از نظر بلاغی هر متنی چه گفتاری چه نوشتاری باید دو ویژگی پیوند و انسجام را داشته باشد تا بتواند به بیشترین میزان بر خواننده تأثیر بگذارد. پیوند یا انسجام زبانی ارتباطی است بین اجزاء و عناصر درون‌متنی و پدیده‌ای زبانی و دستوری است. پیوستگی و انسجام بلاغی ارتباطی بین اجزاء

و متن است که بر مبنای عوامل بیرون از متن حاصل می‌شود و بین فرستنده پیام و گیرنده آن برقرار می‌گردد. مقدار زیادی از آنچه گفتمان را می‌سازد انسجامی است که می‌توان آن را در برقراری تعادل بهینه‌سازی میان ایجاز و اطناب مؤثر دانست (صلح‌جو، ۱۳۸۸: ۲۳-۲۵). در مسائل مربوط به ساختار بلاغی که همان علم معانی و بیان است، در علم معانی باید به تقدم و تأخیر، ایجاز، اطناب، تکرار، حذف و... جملات توجه داشت، اما در علم بلاغت متن باید بر مقتضای حال مخاطب باشد، یعنی شخصی که سخنی را بیان می‌کند باید سخن را به نحوی بیان کند که مؤثر باشد (شمیسا، ۱۳۷۳: ۲۷-۳۴). شاه عباس دوم در شعر خود به ساخت و سازه‌های بلاغی نیز توجه و دقت داشت و سعی کرده است که با ظرافت و دقت بلاغی در این ابیات از ظاهر و الفاظ آن پرده بردارد و مخاطبان به باطن معانی آن ابیات دست یابند و به پیوند و انسجام موجود میان اجزاء پی ببرند. در این ابیات سخنان منسجم، سلیس و جزیل به کار رفته که باعث بلیغ بودن برای مخاطب شده است، اما برای مخاطبان امروزی واژه «سکه زدن» که در بحث پیشین در ساختار دستوری بیان شد، در ساختار بلاغی «غرابت استعمال» نامیده می‌شود و کلمه‌ای غریب و مرده است؛ بنابراین امکان دارد برای برخی افراد این اصطلاح دشوار باشد. غرابت استعمال بیشتر در سروده شاعرانی است که می‌خواهند به فارسی سره بنویسند (همان: ۵۱).

نتیجه‌گیری

تحلیل گفتمان شیوه‌ای برای شناخت کلام، متون، دریافت مفهوم، کشف بینش، اندیشه نویسنده و گوینده آن متن است. با استفاده از تحلیل گفتمان سعی بر آن است مفهوم و هدف از متون تولید شده یا همان ابیات حک شده بر سکه‌های شاه عباس دوم آشکار شود و با استفاده از زیر شاخه‌های تحلیل گفتمان: الف. بافت متن، ب. بافت کلان جامعه که خود به زیر شاخه‌های وسیع‌تر از جمله: بافت موقعیتی، بافت سیاسی، بافت اجتماعی و بافت فرهنگی؛ و واژه‌شناسی، ساختار دستوری و ساختار بلاغی تقسیم می‌شود به هدف شاه عباس دوم پی برد. شاه عباس دوم با توجه به عوامل و دلالت‌های برون زبانی و درون زبانی برای مخاطب میسر می‌کند که از طریق این دو عامل به باور و اندیشه وی پی ببرند و با توجه به رویکردهای تحلیل گفتمان تلاش می‌کند مخاطب به بازسازی فضای تولید این اشعار بپردازد. البته باید گفت دلالت‌های برون زبانی نسبت به دلالت‌های درون زبانی بر اشعار حک شده غلبه دارد و شاه عباس برای انتقال هویت، فرهنگ ملی و گسترش دین تشیع اثنی عشری رویکرد بافت کلان جامعه را به عبارتی دیگر رویکرد تحلیل گفتمان مبتنی بر جامعه‌شناسی در پیش گرفته و آن را به زبان‌شناسی ارجحیت داده است. بررسی هر یک از

دلالت‌های برون‌متنی و درون‌متنی با توجه به اشعار حک شده بر سکه‌های شاه عباس ثانی را می‌توان به عنوان موضوع پژوهش در نظر گرفت تا از این طریق بتوان به تحلیلی کلی‌تر درباره سکه‌های شاه عباس دوم دست یافت، چرا که نگاه به اشعار حک شده روی سکه‌های دوره وی بینش‌های تازه‌ای را برای بازسازی، دریافت مفهوم و هدف وی پیش روی مخاطب قرار می‌دهد.

کتابنامه

- اسدی کرم، زهرا. (۱۳۹۱). «ایران در عصر شاه عباس دوم، (سیاسی، اقتصادی و اجتماعی)». پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات.
- الطایی، علی. (۱۳۸۲). بحران هویت قومی در ایران. تهران: شادگان.
- امانی، رضا؛ شادمان، یسرا. (۱۳۹۰). «تحلیل گفتمان معنا در تفسیر کشاف». فصلنامه تحقیقات علوم قرآن و حدیث. سال ۸. ش ۲ (۱۶). صص ۱۱۵ - ۱۳۹.
- انوری، حسن؛ احمدی گیوی، حسن. (۱۳۸۶). دستور زبان فارسی. ج ۲. تهران: مؤسسه فرهنگی فاطمی.
- آفاکل زاده، فردوس. (۱۳۸۵). تحلیل گفتمان انتقادی. تهران: علمی و فرهنگی.
- بشیر، حسن. (۱۳۸۰). تحلیل گفتمان دریچه‌ای برای کشف ناگفته‌ها. تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
- بهار، محمد تقی. (۱۳۲۵). «شعر فارسی». مجله پیام نو. دوره ۲. ش ۵. صص ۱ - ۱۳.
- بهرام پور، شعبانعلی. (۱۳۷۹). درآمدی بر تحلیل گفتمان. به اهتمام محمدرضا تاجیک. تهران: انتشارات فرهنگ گفتمان.
- پورنامداریان، تقی. (۱۳۸۰). در سایه آفتاب. تهران: سخن.
- حسینی، سعید؛ قاضی زاده، خشایار. (۱۳۹۵). «بررسی تطبیقی ساختار خوشنویسی نستعلیق سکه‌های صفوی و گورکانی». دومین کنفرانس بین‌المللی شرق‌شناسی مطالعات ایرانی و یادمان بیدل دهلوی. صص ۱ - ۱۵.
- زارعی، محمد ابراهیم. (۱۳۹۶). معماری ایران از عصر صفوی تا عصر حاضر. ویراستار محمود رحیمی. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، پژوهشکده تحقیق و توسعه علوم انسانی؛ همدان: دانشگاه بوعلی سینا.
- سجودی، فرزانه. (۱۳۸۷). نشانه‌شناسی کاربرد. تهران: نشر علم.
- سرفراز، علی‌اکبر. (۱۳۹۵). سکه‌های ایران از آغاز تا دوران زندیه. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها، مرکز تحقیقات و توسعه علوم انسانی.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا. (۱۳۸۰). ادوار شعر فارسی. تهران: انتشارات سمت.
- شمیسا، سیروس. (۱۳۷۳). معانی و بیان. تهران: فردوس.

- صفا، ذبیح‌الله. (۱۳۴۱). «مقام شعر در زبان فارسی». مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران. سال ۹. ش ۴. صص ۱۷-۲۷.
- صفوی، کوروش. (۱۳۸۷). درآمدی بر معنی‌شناسی. تهران: سوره مهر.
- صلح‌جو، علی. (۱۳۸۸). گفتمان و ترجمه. تهران: نشر مرکز.
- طالبی، فرامرز؛ قائینی، فرزانه. (۱۳۷۳). کتاب‌شناسی سکه. تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور، مدیریت آموزش، اسناد فرهنگی و انتشارات.
- عفیفی، رحیم. (۱۳۷۲). فرهنگنامه شعری. ج ۲. تهران: سروش.
- فرح‌بخش، هوشنگ. (۱۳۵۴). سکه‌های ضربی ایران از سال ۹۰۰ تا ۱۲۹۶ هجری قمری. تهران: نوین فرح‌بخش و پسران.
- فرکلاف، نورمن. (۱۳۷۹). تحلیل انتقادی گفتمان. مترجم شعبانعلی بهرام‌پور. تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.
- فرهمند، محمد. (۱۳۸۹). «شعر و منشأ آن در ادبیات جهان». مجله مطالعات ادبیات تطبیقی. ش ۱۴. صص ۱۰۱-۱۱۹.
- کسروی، احمد. (۱۳۵۳). تاریخچه شیر و خورشید. تهران: جار.
- مرتضوی، سید خدایار؛ رضائی حسین‌آبادی، مرتضی؛ قرائتی، اردوان. (۱۳۹۴). «گفتمان تشیع و برسازی هویت ملی ایران در عصر صفوی». فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام. سال ۵. ش ۳. پاییز. صص ۱۵۷-۱۸۳.
- معینی علمداری، جهانگیر. (۱۳۸۳). «ایدئولوژی گفتمان و تحلیل سیاسی». تحقیقات حقوق خصوصی و کیفری. ش ۱. صص ۹۵-۱۰۸.
- ون دایک، تون. (۱۳۸۲). مطالعاتی در تحلیل گفتمان. مترجم پیروز ایزدی و دیگران. تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.
- یارمحمدی، لطف‌الله. (۱۳۸۳). گفتمان‌شناسی رایج و انتقادی. تهران: هرمس.